

از شهرداری تا آبی پوشان تا ...

بازهم فصل جدید مسابقات لیگ های کشور آغاز می شود و استانهای مختلف و نمایندگان آنها در این لیگ ها به انحاء مختلف خود را برای مسابقات آماده می کنند. فوتبال اردبیل که سال گذشته یک سقوط تاریخی از یک تا سه را تجربه کرده بود، امسال هیچ تحرکی برای حضور در لیگ سه ندارد. نه باشگاه شهرداری بعنوان صاحب امتیاز و نه سایر مبادی ذیربط از جمله اداره کل ورزش و جوانان و هیئت فوتبال استان بعنوان متولیان امر هیچ حرکتی برای تعیین وضعیت و تکلیف این تیم از خود نشان نمی دهند.

شهرداری اردبیل که ظاهرا قید تیمداری و فعالیت در این حوزه را کلا زده و هیچ تمایلی برای ادامه کار ندارد. دو فصل لیگ یک چنان این سازمان را نقره داغ کرد که دیگر هیچ انگیزه ای برای حضور ندارد و اتفاقات فصل قبل هم مزید بر علت شد تا این مجموعه حتی از واگذاری تیم هم واهمه داشته و هیچ برنامه و تصمیم خاصی هم برای آن ندارد. آنچه در لیگ یک بر سر تیم شهرداری به عنوان تنها امید و آرزوی عاشقان واقعی فوتبال اردبیل آمد، مثنوی هفتاد من کاغذ و داستان افسانه گونه ای است و قطعا مرور زمان زوایای تاریک آنرا بخوبی آشکار کرده و می کند و خواهد کرد. اما آنچه فصل قبل در ماجرای بنام «آبی پوشان» بر سر این امتیاز بلاصاحب آمد خود درس و تجربه ای است که می تواند در صورت توجه، عبرتی دیگر برای فوتبال به گِل نشسته ما باشد.

شهرداری اردبیل و مشخصا سازمان فرهنگی ورزشی آن، که فصل 94 - 95 و بعد از هزینه میلیاردی و تعویض چهار مربی در یک فصل، گنج و منگ سقوط بود و همه به دنبال رفع مسئولیت از سر خود و انداختن توپ در زمین دیگران بودند و بازار «کی بود کی بود من نبودم» بس داغ و شنیدنی.. به یکباره با خبری جدید خود را تا حدودی از زیر فشارها رها شده یافت. خبر هم این بود که شخصی با عنوان مدیر باشگاه آبی پوشان پایتخت با دارایی و توان مالی بالا قصد دارد تا امتیاز تیم شهرداری را خریداری کرده و با هزینه کردن در لیگ دو، تیم را به لیگ یک برگرداند.

یاس و نا امیدی حاصل از دو فصل پر فراز و نشیب و یک سقوط بسیار بد و اعلام باشگاه شهرداری مبنی بر عدم تیمداری، نگاه و توجه دوستداران و عاشقان فوتبال را از مسببان و مقصران سقوط جدا کرد و همه با اشتیاق به دنبال این سوژه جدید دویدند. مجید حیدری، نامی بود که حدود یکسال قبل در سطح ورزش و فوتبال استان مطرح شد. چرا

و چگونگی این حضور و کسانی که این شخص را به فوتبال معرفی کردند بماند. بحد کافی در این مورد بحث شده و تقریباً همگان می دانند چراها و چرایی ها را...

اما صاحب نظران و کارشناسان امر همگی متفق القول بودند که اگر یک بخش خصوصی قوی و صاحب شناسنامه بتواند این تیم و سهمیه را مدیریت کند می توان به آینده آن امیدوار شد. حیدری چندان شخص شناخته شده ای در سطح فوتبال کشور نبود و قطعاً حضور او در فوتبال استان اردبیل هم بیشتر تابع روابط بود تا شرایط. اما بی انصافی است اگر از اصل موضوع غافل شویم و آن این بود که شخصی آمده تا از خود برای فوتبال اردبیل هزینه کند و اگر موفق شد سودی هم ببرد و این یک امر عادی و رایج در اینگونه فعالیت ها بود.

اما بزرگترین اشتباه حیدری این بود که متأسفانه توسط کسانی به این فوتبال معرفی شد که خود باعث و بانی نابودی و سقوط آن بودند. کسانی حیدری را به اردبیل آوردند که در طی فصل قبل، انواع بلاهای مدیریتی و فنی را برای این تیم ایجاد کرده و بانیان سقوط بودند و در حقیقت هدف اصلی ولی پنهانشان، بازسازی آبروی فرو ریخته خود در سطح فوتبال استان با استفاده از توان مالی هرچند اندک حیدری و بازسازی شانسی مجدد برای خود بودند. بنابراین حیدری برای اینان یک فرصت و پله مجدد بود و دقیقاً تا زمانی برایشان ارزش داشت که بتواند برایشان این نقش را بازسازی کند.

اما هرچه از فصل گذشت و نیت و هدف این گروه برای جامعه فوتبال اردبیل و خود حیدری آشکارتر شد، تیم وارد حاشیه شد و رفته رفته تنش بین دو طرف بالا گرفت و حاصل این تنش، بلاهایی بود که بر سر تیم آمد و نهایتاً راهی دسته سوم شد که ذکرشان تکرار مکررات است و شاید سوهان اعصاب...

حیدری بعد از چند هفته هزینه کرد برای تیم و تحت فشارها و برخی کارشکنی ها، اردبیل را ترک کرد. قراردادی که بین او و شهرداری اردبیل بسته شده بود، از جانب هر دو طرف صورت اجرای نیافت. باشگاه شهرداری که در فدراسیون فوتبال پرونده مالی و انضباطی دارد، تا زمان تسویه بدهی خود به شاکیان، نمی تواند امتیاز تیم را بنام شخص دیگری انتقال دهد و همین امر باعث شد تا بحث ها و حواشی زیادی برای تیم ایجاد شود. حیدری خود در این ماجرا کم بی تقصیر نیست. او می دانست که کسانی که با هزاران وعده و وعید رنگارنگ، برایش فرش قرمز پهن کردند، همانهایی بودند که باعث و بانی سقوط شهرداری و نابودی میلیاردها تومان بیت المال بودند. او باید خیلی زود متوجه میشد و راه خود را از آنها جدا می کرد ولی بقول خودش نگذاشتند و نتوانست و نهایتاً تنها امید هزاران عاشق

دلسوخته و هوادار واقعی تیم به این روز افتاد و مستقیم تا لیگ سه پایین آمد.

این روزها شنیده می شود حیدری دوباره برگشته است. می گوید: «هیچ نمی خواهم. اسپانسر دارم و همه هزینه پای خودم. سهمیه لیگ دو می خرم یا با همین سهمیه لیگ سه شروع می کنم و هزینه می کنم و کمکی هم نمی خواهم و ...» نفس عمل بازهم قابل احترام است. وقتی هیچ کسی نمی خواهد برای این تیم و فوتبال شهر دل بسوزاند، یکی آمده که می خواهد خرجش کند. اینکه راست می گوید یا نه تشخیص اش به عهده مراجع و مبادی ذیربط است. ولی اینکه به کل دفع اش کنیم و فرصت جبران گذشته را ندهیم شاید بر صراط جوانمردی نباشد.

می گوید: «چون شهرداری نتوانست به تعهدات خود در انتقال تیم عمل کند و همین عامل باعث شده تا اسپانسرهای خوب برای حمایت از تیم را از دست داده و متضرر شود و برای تیمی که متعلق به او نبوده میلیون ها تومان هزینه کرده، شهرداری موظف است خسارات او را پرداخت کرده و فاکتورهای او را تسویه کند تا او سهمیه لیگ دو برای استان خریده و جبران کند.» این خواسته می تواند در قالب کمیته ای کارشناسی و خبره بررسی و اعلام نظر شود و قطعاً اگر حرف او حق است، باید حق را به حقدار رساند و اگر نیست، یکبار برای همیشه این بحث را جمع کرد و تمام.

بهرحال، فوتبال بی در و پیکر و به گِل نشسته استان که هر کسی از راه رسیده یا منافع خود را دنبال کرده و یا اگر منافی کسب نکرد لگدی به آن زده و سنگی نثار شیشه اش کرده، امروز در نقطه ای است که نمی داند کجای فوتبال این مملکت قرار دارد!!؟ از بندبازی هیئت فوتبال استانش که دوم شدن در بین استانهای رده پایین کشور را در بوق و کرنا کرده و مدعی دومی در کشور را کرد و بعد از رسوایی ادعایش، سکوت شرم گرفته تا این وضع آشفته باشگاه شهرداری و سایر تیمهای فعال باشگاهی فوتبال و فوتسالش که واقعا هر منصفی را به تاسف وا میدارد.

امید است با تدبیر بزرگان استان، شاهد روزی باشیم که این مسائل و مصائب تبدیل به خاطره توام با تجربه شود و بدانیم سکان هدایت فوتبال استان و زیر مجموعه های آنرا به کسانی بسپاریم که یا توان و تجربه اش را داشته باشند و یا از پنجره علم مدیریت نگاهی کرده باشند تا فردا اگر خراب هم کردند، جرات آنرا داشته باشند که مسئولیت قبول کرده و توان و جرات عذرخواهی از مردم را داشته باشند و جای خود را با شجاعت به افراد لایق بدهند و اینگونه با چنگ دندان به میزها نچسبیده و برای چند روز مدیریت بیشتر، شرافت انسانی را لگدمال نکنند. ان شاء الله